

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیاوش آزاد / فائق رستاقی

۲۷ نومبر ۲۰۲۰

## تهاجم استعمار بر ارزش های فرهنگی – اجتماعی کشور ما

(۱)

"امپریالیسم در ذات خود تهاجمی چند جانبه است که در آن استثمار اقتصادی همراه با انقیاد سیاسی، لشکرکشی نظامی و مسخ فرهنگی یک جا عمل می کند و یکی در خدمت دیگری است. بنیاد برای شکست امپریالیسم... نیز طرح برنامه ای جامع که در همه ساحات امپریالیسم... را مورد تهاجم قرار داده و آن را شکست دهد، ضرورتی انصراف ناپذیر است."

"زنده یاد قیوم رهبر: از سراب تا سراب"

در جوامعی که ستم طبقاتی، ستم ملی (شامل ستمگری امپریالیستی و قومی) و ستم و تبعیض جنسیتی بیداد می کند، در آن جوامع اخلاق نیز وجه طبقاتی دارد، یعنی اخلاق به اخلاق اغنیاء و فقراء یا اخلاق خواص و عوام تقسیم می شود. ستمگران دارای صفات اخلاقی ویژه طبقه خویش می باشند و ستمکشان آگاه به منافع طبقاتی شان، نیز ارزش ها و هنجار های اخلاقی متناسب با منافع طبقه خود را تبارز می دهند.

ستمگران خوبی و بدی و به هنجار یا نابه هنجار بودن همه چیز را بر حسب سودآوری و اقتضای منافع اقتصادی خویش می سنجند. این منافع است که در اول و آخر کار بر هر گونه تفکر و عملکرد فردی و اجتماعی اعضای طبقه حاکمه دارای قدرت اقتصادی و سیاسی، در گستره ملی یا بین المللی صحنه می گذارد و نابه هنجار را به هنجار می نمایاند.

ستمگران و بهره کشان می خواهند از ستمکشان و بهره دهان ارزش اضافه به دست بیاورند؛ استعمارگران وابسته به منابع کشور های تحت سلطه (مستعمرات و نومستعمرات) در اشکال مستقیم یا غیرمستقیم (اشکال کهن و نواستعماری) تلاش می ورزند تا منابع کشور های تحت سلطه فاقد دفاع ملی مستقلانه و یا اراده چنین دفاعی را، به تاراج ببرند و ساحه مستعمرات و جولانگاه سرمایه مالی خویش را وسعت بخشند.

ستمکشان هم برای نجات خویش از غارت ستمگران، دارای اهدافی اند که پیشتر از قشر آن از خواست های آنها نمایندگی و هم آرمانهای غارت شدگان را تبلیغ و ترویج می کنند.

از همین موقعیت طبقاتی است که ستمکشان برای وصول به اهداف خویش، از خود سلسله ای از هنجار ها و ارزش های اخلاقی خاص خویش را دارا می باشند. همه این هنجار ها و سلوک اجتماعی و اخلاقی از موقعیت فرودستی ستمزده ها ناشی شده و با آرمان رهایی طبقات ستمکش و استثمارشونده شامل زنان و مردان پیوند تنگاتنگ دارد.

بیشتر از چهار دهه بدین سو کشور ما دو بار مورد تجاوز دو ابرقدرت زمان و همپیمانان هر یکی از این دو، همراه با مداخلات پیهم دول و نیرو های ارتجاعی طماع و مداخله گر همجوار و منطقه قرار گرفته است. هر کدام از این دول و قدرت های استعمارگر زمان در عین شرکای بیرونی تجاوز و مداخلات مکرر بی شرمانه خویش، وابستگان بومی فکری - اجتماعی شان را در جامعه ما داشته اند. هر دو نیروی استعمارگر روسی و امریکائی با متحدان شان برای جا انداختن سلطه استعماری شان و خوی دادن مردم ما با یوغ سنگین سیطره تجاوزکارانه شان، کوشیده اند تا تعدادی از نیرو های اجتماعی و سیاسی بومی همسو با منافع و سرشت تاریخی استعمار را با اخلاقیات، تفکر و فرهنگ برده ساز استعماری پرورش دهند. این نیروی ارتجاعی و دمساز بومی در نقش پایه اجتماعی استعمار در سرزمین تحت سلطه ای مثل افغانستان کنونی و سائر کشور های معروض به تهاجم امپریالیستی است که رسالت گسترانیدن اخلاقیات، تفکر و فرهنگ برده ساز استعماری را در رکاب استعمارگران به دوش دارند.

در جوامع معروض به تجاوز و استیلای همه جانبه امپریالیستی مثل جامعه خود ما، هم استعمار و هم طبقات و قشر های متخاصم بومی، به قول "گرامشی"، هر یکی "روشنفکران ارگانیک" خود را دارند.

هدف استعمار تا همین حالا در کشور مستعمره ما سرکوب مقاومت و نابودی خود ویژگی اجتماعی - فرهنگی مردم، زدودن ارزش ها و هنجار های اخلاقی - فرهنگی و کشاندن انبوه جوانان کشور ما به سوی "ازخودبیگانگی"، بی تفاوتی در قبال مقدرات ملی و اجتماعی خویشتن، خوی دادن ستمکشان به سیطره جابر و ارزش های فرهنگی و روش های سیاسی استعمار به کمک ابزار نظامی - استخباراتی و انگیزه های اقتصادی بوده است. مجموع این موارد ذکر شده فوق از تلاش نیرو های استعماری - ارتجاعی، در صورت مهار و خنثی نشدن، در درازمدت شرایطی را در کشور دربند و بی صاحب ما پدید می آورد که در تحت آن استعمارگر بیرونی در همدستی با نیروی ارتجاعی بومی (دلال استعمار) به غارت منابع سرشار اقتصادی، استثمار نیروی کار و تخریب محیط زیست و فقیر نگه داشتن مردم ما برای دهه های متوالی بپردازد و امپریالیسم اشغالگر کشور ما بتواند از همین پایگاه در عرصه های نظامی، اطلاعاتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در برابر رقبای منطقه ئی اش در عرصه رقابت امپریالیستی دست به تحرکاتی بزند و به هیچ ملتی، خلقی و مرجعی مسؤول و جوابگو نباشد. این حالت ایده آل برای امپریالیسم قدر و توسعه جوی امریکا در قبال افغانستان و منطقه آسیای میانه - جنوب آسیا است و این امپریالیسم متجاوز نمی تواند به سهولت از این هدف ایده آتش در قبال کشور ما به موقعیت ویژه اش در منطقه و با منابع سرشارش، دل بکند.

تحقق این هدف پلید برده ساز امپریالیسم استعمارگر در کشور اسیر ما، علاوه بر حضور و تحرکات نیرو های اشغالگر امپریالیستی در کشور ما برای نوزده سال تمام، نیازمند بسیج شدن "روشنفکران ارگانیک" طبقات ارتجاعی و عمله سیاسی - فرهنگی استعمار بوده است. این "روشنفکران ارگانیک"، روشنفکران منحرف، مرتد و تسلیم طلب چپ و دموکرات قبلی همراه با لیبرال های تسلیمی و فعلاً تسلیم شده به استعمار، در احزاب رسمی تسلیم طلب معامله گر ثبت شده در دولت مزدور، "جامعه مدنی" ساخت استعمارگران، "ان جی او" های دزد و نهاد های دولتی بسیج شده اند. سررشته همه این احزاب ملوث تسلیم طلب، "جامعه مدنی"، "ان جی او" ها و سائر نهاد های سیاسی، فرهنگی، مدنی، خیریه و... بدون استثناء در دست نهاد های جاسوسی و سیاسی متعلق به دول اشغالگر غربی است. همان ها اند که هم نان می دهند و هم فرمان و همین ها اند که هم نان می خورند و هم فرمان می برند.

چنان که در فوق گفتیم، غارت بدون مخالفت و مقاومت داشته های وطن ما و حمل یوغ سنگین استعماری بر گردن مردم ما، هدفیست که استعمارگر متجاوز برای نیل بدان، باید به نابودی جسمی و معنوی مردم پردازد و ارزش های فرهنگی - اجتماعی آن که شخصیت جمعی انسان استعمارزده را می سازد، را خود و یا توسط ایادی سیاسی - فرهنگی بومی اش مورد یورش قرار داده و بزداید.

در دور اول اشغالگری امپریالیستی توسط سوسیال امپریالیسم متجاوز روس به کشور ما، شاهد بودیم که چگونه باند های وطن فروش "خلق و پرچم" در رکاب اشغالگران روسی می دویدند و حمد و ثنای تزاران نوین کرملن نشین را به جا می آوردند که این خود فروختگان را به چاکری برگزیدند. مطبوعات و به اصطلاح امروزی، رسانه های مزدوران ۷ ثوری به جز از ثنا و صفت کشور اشغالگر روس، چیز دیگری برای پخش نمودن نداشتند. این دلالتان استعمار روسی و ارباب توسعه طلب آنان برای جا انداختن سلطه بی رقیب استعماری روس رهن در کشور ما و مهیا ساختن زمینه تحركات استعماری آن به سوی جنوب، از موضع منافع سرمایه انحصاری بوروکراتیک روسی و "بورژوازی دلال دولتی"، علاوه از یورش بر ارزش های مشترک خلاق جامعه ما، ارزش های دموکراتیک و پیشرو طبقات و اقتدار مولد و زحمتکش و اخلاق انقلابی نیرو های پیشرو جامعه ما را مزید بر ارزش های اخلاقی و فرهنگی نیرو های فنودالی به شمول اسلام را مورد تجاوز قرار دادند.

این تجاوز استعمارگر روسی و برده های ریاست جوی بومی اش بر نیرو های طبقاتی جامعه ما و ارزش های فرهنگی - اخلاقی هر یکی، در عین ضربه کاری وارد کردن بر پیکر نیرو های انقلابی و فرهنگ و اخلاقیات بالنده و رو به کمال؛ زمینه ساز تقویت و جان گرفتن نیرو های طبقاتی ارتجاعی مرتبط با ارتجاع منطقه و امپریالیست های غربی و فرهنگ و ارزش های ایدئولوژیک منسوخ و رو به زوال اسلامیت های جهادی - طالبی مدافع ارزش های فرهنگی منسوخ فنودالی و به طور کلی، برگشت جامعه ما به سوی قهقراء در تحت سیطره امپریالیسم و ارتجاع فنودال - کمپرادوری شد که تا امروز ادامه دارد.

در مقابل، با جان گرفتن رویای برگشت فنودالیسم در عکس العمل با تحركات استعماری فوق، به صحنه آمدن تنظیم های مونتاز شده وابسته به دول و محافل مرتجع و مداخله گر اسلامی منطقه در تبنانی با دول آزمند امپریالیستی غربی تحت نام اسلام با پخش افکار مودودی، سید قطب و یا هم وهابیت و ولایت فقیه خمینی جلا، با لجام گسیختگی تمام به بهانه مبارزه با روس و روس پرستان، بر هر آنچه از مظاهر تمدن، ترقی، دانش و فرهنگ بود، تاختند، سوختند، ویران کردند، کشتند، بستند و دشمنی ورزیدند؛ جنایت هول انگیزی که بی وقفه و مهار گسسته تا امروز با تأیید و اغماض امپریالیسم اشغالگر، دم و دستگاه کور و کر حقوق بشری و میدیای دروغ پرداز دنیای امپریالیستی، ادامه دارد.

ادامه در بخش دوم